

مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان عارف قزوینی

* محمد رضا علم

** محمد علی جودکی

E-mail: mram36@yahoo.com

E-mail: mohamadjodaki@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۶

چکیده

همواره از عصر مشروطه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران یاد شده است. در این عصر جامعه ایرانی در ابعاد مختلف دستخوش دگرگونی‌هایی گردید. در عرصه هویتی نیز دگرگونی‌هایی در عناصر هویت‌بخش ایرانی به وجود آمد. زبان و ادبیات فارسی به مانند ادوار پیشین نقش مهمی در بازسازی و تعمیق بخشیدن به هویت ملی ایرانیان در تاریخ معاصر داشته است. مقاله حاضر در صدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی را در دیوان عارف قزوینی مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. بدین منظور، مؤلفه‌های هویت ملی شامل ارزش‌های ملی، ارزش‌های دینی و فرهنگ غربی، با بهره‌مندی از متغیرهایی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد عارف قزوینی در دیوان خود توجه ویژه‌ای به شاخصه‌ها و عناصر هویت‌بخشی ایرانی داشته است. علی‌رغم دگرگونی‌های به‌وجودآمده در عناصر هویت‌بخش ایرانیان در عصر مشروطه، ارزش‌های ملی جایگاه خویش را در هویت‌بخشی به ایرانیان حفظ نموده است.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت ملی، مشروطه، دیوان عارف قزوینی.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

طرح مسئله

جنبش مشروطه‌خواهی در دهه اول سده بیستم میلادی، ساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را در معرض دگرگونی و نوسازی قرار داد. تلاش جامعه برای تشکیل دولتی بر پایه ایرانی، سهم بسزایی در تکوین هویت ملی ایرانیان داشته است. شعرای عصر مشروطه، به‌عنوان بخشی از بدنه روشنفکری کشور، با به‌کارگیری برخی از مؤلفه‌های هویت ملی در درون‌مایه اشعار خویش، در صدد کمک به پیشبرد اهداف انقلاب مشروطه برآمدند. آنها شعر، ادبیات، هنر و زبان را به‌مثابه ابزاری راهبردی در خدمت ایده‌های خود - که همان به فعلیت رساندن هویت ملی و تاریخی در جامعه ایرانی آن روز بود - استخدام خود گرفته، رسالت تاریخی خود را از این طریق به انجام رساندند.

نظر به اهمیت مفهوم هویت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در هویت‌یابی، معنانشناسی هویت و سطوح مختلف آن و همچنین جایگاه عصر مشروطه در سیر تکوین هویت ایرانی، مسئله اصلی این پژوهش بررسی جایگاه هویت ملی در دیوان عارف قزوینی^۱ است.

از جمله این شعرا که در عصر مشروطیت از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی در جهت ایجاد انگیزه مبارزه در توده مردم، برای تحقق حاکمیت ملی بهره گرفته‌اند، عارف قزوینی است. ابوالقاسم، فرزند ملاهادی، متخلص به عارف، در حدود سال ۱۳۰۰ق در قزوین متولد شد. پدرش ملاهادی وکیل دعاوی بود. عارف خطاطی را نزد سه تن از خوشنویسان آن عصر فراگرفت و موسیقی را نزد حاجی صادق خرازی آموخت. عارف پس از مدتی به تهران آمد و به‌واسطه صدای خوشی که داشت مورد توجه میرزا علی اصغر خان اتابک قرار گرفت. علی‌رغم این توجه درباریان به عارف، وی از همان ابتدا

۱. عارف قزوینی در حدود سال ۱۳۰۰هـ ق در قزوین متولد شد. پدرش «ملاهادی وکیل» بود وی صرف و نحو عربی و فارسی را در قزوین فرا گرفت؛ سپس در سال ۱۳۱۶هـ ق به تهران آمد و همزمان با شروع مشروطیت با سرودن غزل‌های خود به موفقیت مشروطیت کمک نمود. در سال ۱۳۵۴ هـ ق مرگ زودرس به سراغش آمد و در سن ۵۴ سالگی در حالی که با بیماری دست به گریبان بود از دنیا رفت. سبک شعری عارف قزوینی بازگشت ادبی یا سبک‌های جدید که منتهی به سبک جدید دوره مشروطه شده است، می‌باشد عارف همچون شعرا و ادبای معاصر خویش تحت تأثیر وقایع سیاسی و اجتماعی پیرامون خود قرار گرفته و با طبع و قریحه خویش سعی در طرح چشم‌اندازهای جدید از دنیای پیرامون خود داشت؛ دنیایی مبتنی بر اندیشه‌محوری و دوری از خودرایی و با شعارهایی چون قانون، آزادی و حاکمیت ملی؛ درواقع سرچشمه ایده‌آل‌های شعر مشروطه را فراهم و تأثیر بسزایی در اوضاع سیاسی ایران ایجاد نمود.

با مشروطه‌خواهان همراه شد (عارف قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۴؛ آراین پور، ۱۳۵۰: ۱۴۸-۱۴۶). این شاعر وطن پرست مدتی از عمر خویش را به همراه آزادی‌خواهان مهاجر در عثمانی سپری نمود، اما پس از مدتی به ایران بازگشت و با تصانیف و کنسرت‌های خود، مبارزان و آزادخواهان راه مشروطه، چون کلنل محمدتقی خان پسیان را مورد حمایت قرار داد. عارف در اواخر عمر خود به همدان تبعید شد و سرانجام در سال ۱۳۱۲ش در آن شهر درگذشت (عارف قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۸۸؛ آراین پور، ۱۳۵۰: ۳۵۵-۳۴۹).

چارچوب مفهومی

صاحب‌نظران برداشت‌های متفاوتی از هویت و ابعاد مختلف آن دارند. در مجموع سه چارچوب نظری کلان در مورد ماهیت پدیده هویت ملی، فرایند ظهور و چگونگی یا امکان و تحول آن وجود دارد. به عبارت دیگر، هر نظریه سعی می‌کند سه مؤلفه چیستی هویت ملی، ذکر عناصر آن و تداوم یا تحول آن را توضیح دهد. این سه نظریه عبارت‌اند از: ازلی‌انگاری، مدرنیستی و نگاه راه میانه آنتونی اسمیت در مورد «ریشه قومی - تاریخی ملت‌ها».

الف) ازلی‌انگاری

خصوصیت مشترک ازلی‌انگاران اعتقاد به قدمت و طبیعی بودن ملت‌ها و به تبع آن هویت ملی است (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۸۷). که خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱-الف) **طبیعت‌گرا (اعتقاد به اینکه هویت‌های ملی جزئی طبیعی از آدمیان‌اند، درست مانند سخن گفتن یا دیدن):** شخص ملیت دارد همان‌گونه که بینی و گوش دارد (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۸۸). از نظر این گروه ملتی که شخص به آن تعلق دارد از پیش تعیین شده و به‌طور طبیعی معین است. که از ابتدا با افراد همراه است (اسمیت، ۱۹۹۵: ۴۱-۳۱).

۲-الف) **رویکرد زیست‌شناختی:** به نظر «فان دان برگ»، مدافع اصلی این رویکرد در ادبیات ناسیونالیسم، قومیت، نژاد و ملیت تسری اصطلاح قوم و خویش است و بنابراین می‌توان آن را صورت گسترده و تقویت‌شده این گزینش خویشاوندی دانست (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۳-الف) **رویکرد فرهنگ‌محور:** سومین شاخه ازلی‌انگاران، کسانی‌اند که دارای نگرش فرهنگ‌محوری هستند و معتقدند هویت‌ها یا تعلقات ازلی داده‌شده، متقدم، غیرمشتق و مقدم بر همه تجارب و تعلقات‌اند، احساسات ازلی توصیف‌ناپذیر، قدرت و اجبارآمیزند، و اینکه هویت‌ها اساساً مسئله عاطفه و احساس است (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۹۴).

ب) نگرش مدرنیستی

وجه مشترک همه این مطالعات اعتقاد به نو بودن ملت‌ها و ناسیونالیسم است. مطابق این نگرش هر دوی این مفاهیم در دو سده اخیر، یعنی سرآغاز انقلاب فرانسه، ظهور کرده‌اند و ثمره فرایندهای مدرنی چون سرمایه‌داری، صنعتی شدن، ظهور دولت دیوان‌سالار، شهرنشینی و جداانگاری دین از دنیا هستند.

ج) نگرش راه میانه آنتونی اسمیت (ریشه قومی و تاریخی ملت‌ها)

آنتونی اسمیت در کتاب خود تحت عنوان ناسیونالیسم، ضمن نقد رویکردهای نظری فوق، بر آن است که تعریف پیشنهادی وی دارای دو بخش است: بخش اول سازوکارهای تداوم‌بخش و دوم سازوکارهای تغییر. به نظر وی رویکرد «تداوم و تغییر» بر این اساس است که هویت‌های فرهنگی جمعی تا حدودی ثابت و ایستا هستند، درحالی‌که ما در واقع با ساخت‌های طولانی و با قدمت سروکار داریم، ولی اینها اصول یا کلیات ثابت و جاودانی نیستند، بلکه هویت‌ها و اجتماعات فرهنگی نیز تا حدود زیادی تابع فرایندهای تغییر و انحلال هستند، ولی تغییر آن آهسته و در زمان طولانی بوده که در درون پارامترهای روشنی عمل می‌کند که فرهنگ و سنت‌های دیگر آن ملت اجازه آن تغییرات را می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۳). بنابراین هویت ملی متضمن میزانی از ثبات و همانندی در طول زمان است که تغییر آن فقط در درون مرزبندی خاصی و به دور از هرگونه تغییر ناگهانی و مخرب و به صورت بطئی می‌تواند اتفاق بیفتد. تعریف نویسندگان مقاله از هویت ملی منطبق با دیدگاه اخیر (اسمیت) در مورد هویت ملی است که هویت ملی را این‌گونه تعریف می‌کند:

بازتولید دائمی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و نسبت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی‌اش (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰).

بنابراین با کاربست نگرش «تداوم و تغییر» اسمیت در مورد هویت ملی ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت که هویت ملی ایران ضمن حفظ اصول سنت‌ها و فرهنگ باستانی و ملی - تاریخی خود، در دو نقطه عطف تاریخی عناصر جدیدی را به درون هویت ملی خود پذیرفته است. اولین نقطه عطف پذیرش خودآگاهانه شریعت اسلام به‌عنوان جایگزین دین زرتشتی است که از آن پس اسلام جزو عناصر هویت ملی ایرانی شد و نقطه عطف دوم پذیرش اندیشه سبک حکومت دموکراتیک و مشروطه و

نظام سیاسی مدرن به‌عنوان جایگزین نظام موروثی پادشاهی بود که با تحولات مردم‌سالارانه عصر مدرن سازگاری نداشت. بنابراین هویت ملی ایران، ضمن حفظ اصول تاریخی، فرهنگی و باستانی خود، دو رکن هویتی دیگر (اسلام و تجدد) را به‌عنوان ارکان هویت ملی، به‌صورت خودآگاهانه پذیرفته است که نشانه ثبات هویتی در عین تحول خودآگاهانه است. از این رو، به‌رغم اینکه پژوهشگرانی چون میرمحمدی (۱۳۸۳: ۳۲۳)، ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی و انسانی را به‌عنوان عناصر هویت‌بخش ایرانیان معرفی نموده‌اند، احمدی، تاریخ را عمده‌ترین عنصر هویت ملی برشمرده است (میرمحمدی [گردآورنده]، ۱۳۸۳: ۱۸۹؛ و نیز نک: شعبانی، ۱۳۸۶). عده‌ای چون مسکوب (۱۳۷۳: ۲۲) زبان فارسی را و شماری دیگر مانند زرین‌کوب (۱۳۷۶: ۳۸۹) و ستاری (۱۳۸۰: ۹۴) فرهنگ را مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی دانسته‌اند و برخی نیز مانند ورجاوند (۱۳۶۸: ۶۷؛ نیز نک: رجائی، ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۳۵) آداب و رسوم و سنت‌ها را عنصر مهم تشکیل‌دهنده هویت ایرانی می‌دانند. دیدگاهی دیگر نیز وجود دارد که منابع و عناصر سازنده هویت ملی را در سه رکن: ۱. فرهنگ باستانی و ملی ایران؛ ۲. فرهنگ اسلامی؛ ۳. فرهنگ غربی و معاصر می‌داند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۴ و ۱۲۰؛ رواسانی، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۲) که از جامعیت بهتری برای شناخت مؤلفه‌های هویت ملی برخوردار است. اگرچه این دیدگاه‌ها از نظر سهم و اجزا تفاوت‌های اندکی با یکدیگر دارند، همگی بر هویت ترکیبی و سه‌لایه‌ای ایرانی، یعنی هویت باستانی، هویت اسلامی و هویت متجدد تأکید دارند (کچویان، ۱۳۸۶: ۲۲۵). بر این اساس با بهره‌گیری از تعاریف هویت و نقش عناصر مختلف در تکوین هویت ملی، می‌توان چارچوب مفهومی زیر را برای میزان بسامد مؤلفه‌های هویت‌ساز در دیوان عارف قزوینی به دست داد:

۱. فرهنگ و ارزش‌های باستانی و ملی، با متغیرهایی چون زبان فارسی، مردم ایران، سرزمین و جغرافیای ایران، نژاد و قومیت ایرانی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، معماری، هنر، تاریخ، ادبیات، میراث اندیشه‌ورزی، میراث عینی فرهنگی، تاریخ و تمدن و جغرافیای ایران (عنصر سرزمینی).
۲. ارزش‌های دینی - مذهبی، با متغیرهای مبانی اعتقادی (توحید، نبوت و معاد)، مناسک دینی - مذهبی، اماکن دینی - مذهبی، ارزش‌ها و نموده‌های شیعی، پیامبران و بزرگان دینی - مذهبی (پیامبران الهی، امامان)، قرآن، آیات و روایات.
۳. فرهنگ غرب: منظور از آن ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که در قرن بیستم و

به‌ویژه پس از مشروطیت وارد فرهنگ جامعه ایران شده است. قرنی که با پیدایش و گسترش انواع ایدئولوژی‌های هویت‌ساز همراه بوده است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۸۲). برخی صاحب‌نظران، مسائل برخاسته از فرهنگ غربی را بخشی از هویت ایرانی فرض می‌کنند (کچویان، ۱۳۸۶: ۲۲۷ و ۲۲۸). متغیرهای ناسیونالیسم، مشروطه، تفکیک قوا، مجلس، انتخابات و احزاب، دموکراسی، بروکراسی مدرن، طبقات اجتماعی و سایر ارزش‌های فرهنگ غرب و مشروطه (چون تجدد، بیداری ملی و جز اینها) برای سنجش این مؤلفه در نظر گرفته شده است.

کندوکاو در روند تکوین و تکامل هویت ایرانی صبغه تاریخی و استمرار آن را روشن تر می‌کند و پژوهشگران بسیاری جنبه تداوم/ تغییر هویت ملی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. مثلاً ریچارد کاتم^۱ آگاهی ملی ایرانیان را به قرن‌های قبل و عصر هخامنشی مربوط دانسته است (۱۳۷۱: ۳۴).

با ورود اعراب مسلمان به ایران، ایرانیان توانستند در سایه جنبش‌های علمی - فرهنگی، با اتکای بر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، هویت ملی خویش را حفظ نمایند (ر.ک: صفا، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۱؛ ممتحن، ۱۳۷۰: ۲۶۵-۲۵۰؛ مسکوب، ۱۳۷۳: ۲۲؛ مارزولف، ۱۳۸۰: ۳۰). با ظهور دولت صفوی بر پایه مذهب تشیع، نوعی وحدت سیاسی در ایران به وجود آمد که آن را از همسایگان سنی‌اش متمایز می‌نمود (ر.ک: بوزانی، ۱۹۷۵: ۱۴۱؛ فوران، ۱۳۷۷: ۴۴؛ حافظ‌نیا و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳).

با شروع انقلاب مشروطیت، تلاش جامعه ایرانی برای تشکیل دولتی بر پایه خودآگاهی ایرانیان تکامل پیدا کرد. در این میان شعرای عصر مشروطه از عناصر هویت‌بخش ایرانی در جهت انگیزش توده مردم و هم‌گرایی ایرانیان در جریان انقلاب مشروطه بهره می‌گرفتند (آشوری، ۱۳۷۷: ۱۸۷؛ طباطبائی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). مقاله حاضر بر آن است که میزان توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هویت ملی در دیوان عارف قزوینی را تبیین نماید.

مروری بر ادبیات تحقیق

شعر و ادب مشروطه تا کنون از جنبه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران و محققان مورد بررسی قرار گرفته است، اما تا کنون پژوهشی مستقل به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان عارف قزوینی، به‌عنوان یکی از شعرای این عصر،

1. Richard Cottem

اختصاص داده نشده است. آراین‌پور که از پیشگامان بررسی شعر عصر مشروطه بوده بیشتر به شرح حال و ذکر تصنیف‌های شورانگیز عارف که نشان‌دهنده روح وطن‌خواهی اوست پرداخته است (آراین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۶۱-۳۴۹).

آجودانی (۱۳۸۲: ۲۳۷-۲۰۹) نیز در بررسی خود از درون‌مایه‌های شعر مشروطه تنها به مفاهیمی نظیر ناسیونالیسم، وطن و غیره در شعر عارف و سایرین پرداخته است. ذاکر حسین (۱۳۷۷: ۴۶ و ۴۷) به تصنیف‌ها و اشعار وطنی این شاعر پرداخته و جعفری (۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۴۴) جنبه رمانتیک در شعر عارف را مورد مذاقه قرار داده است. اما در پژوهش‌های مشابهی در خصوص تحلیل محتوای شعر «نسیم شمال» عناصر هویتی در شعر این شاعر عصر مشروطه مورد بررسی قرار گرفته است (زمانی، ۱۳۸۴). پژوهش حاضر، ضمن توجه به دستاوردهای پژوهش‌های یادشده و با استفاده از آنها، می‌کوشد بسامد مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان را در دیوان عارف قزوینی مشخص کند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهشی به‌کاررفته در مقاله حاضر مبتنی بر تحلیل محتواست. در دهه اخیر روش تحلیل محتوا در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی به کار گرفته شده است. در این روش پژوهشگر می‌کوشد با قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها و مانند آن، در تعدادی مقوله از پیش تعیین‌شده، نتیجه تحلیل را معین کند (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۳). در این پژوهش مؤلفه‌های هویت ملی، بر پایه منابع هویت‌بخش ایرانی، در سه بخش یادشده، با در نظر گرفتن متغیرهای مذکور، سازمان‌دهی شده، پس از آن به پردازش داده‌های جمع‌آوری شده خواهیم پرداخت. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر ۲۲۱۵ بیت دیوان عارف قزوینی است. به‌طور متوسط هر بیت از ۱۲ کلمه تشکیل شده که بدون احتساب حروف اضافه مانند «بر»، «در» و غیره، تعداد کلمات دارای بار معنایی در دیوان عارف ۲۳۱۳۶ کلمه است. فراوانی جدول‌ها از این تعداد کلمات احصا شده است. درصدها نیز از حاصل ضرب فراوانی ضرب در ۱۰۰ تقسیم بر ۲۳۱۳۶ - که تعداد کلمات دیوان عارف است - به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

در بررسی دیوان عارف قزوینی، سه مقوله فرهنگ و ارزش‌های باستانی و ملی، ارزش‌های دینی - مذهبی و ارزش‌های فرهنگ غرب مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

نتایج این بررسی با تعیین میزان فراوانی متغیرها و احتساب درصد مربوط به آن در جداولی ارائه شده است. به منظور پابندی به ملزومات یافته‌های تحلیل محتوا از تحلیل کیفی داده‌ها کمتر سخن به میان آورده‌ایم و تنها نمونه‌هایی از اشعار عارف را که دربرگیرنده متغیرهای مورد نظر مؤلفه‌های هویت‌بخش ایرانی بوده است ذکر کرده‌ایم:

۱- توزیع فراوانی شاخصه‌های باستانی و ملی

برای سنجش و بررسی مؤلفه‌های باستانی و ملی در دیوان عارف از متغیرهای نژاد و قومیت ایرانی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، میراث فرهنگی، تاریخ و تمدن و جغرافیای ایران (عنصر سرزمین) استفاده شده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی شاخصه‌های باستانی و ملی

ردیف	مفاهیم	فراوانی	درصد
۱	اسطوره‌های ملی	۷۹	۰/۳۴۱
۲	نمادهای ملی	۱۷	۰/۰۷۳۴
۳	نژاد و قومیت ایرانی	۲۰	۰/۰۸۶۴
۴	میراث فرهنگی	۱۷۵	۰/۷۵۶
۵	تاریخ و تمدن	۱۰۶	۰/۴۵۸
۶	جغرافیای ایران	۱۴۸	۰/۳۳۹
	جمع	۵۴۵	۲/۳۵۵

فراوانی جدول (۱) نشان می‌دهد که در ۲/۳۵۵ درصد از کلمات و واژه‌های دیوان عارف قزوینی، مؤلفه‌های باستانی و ملی هویت ایرانی حضور دارد. در این میان توجه به عناصر فرهنگی هویت ایرانی از اهمیت خاصی برخوردار بوده، چنان‌که با فراوانی ۱۷۵، نسبت به سایر شاخصه‌ها برجستگی بیشتری دارد. در ایات ذیل شاخصه‌های باستانی و ملی هویت ایرانی به خوبی نمایان شده است. عارف آنجایی که پای تبار و نژاد ایرانی به میان می‌آید، چنین می‌سراید:

به دنیا بس همین یک افتخارم که یک ایرانی‌الاتبارم

(عارف قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۳۰)

در جایی دیگر «تن و روح و خون» (ص ۴۸۴) خود را ایرانی می‌داند. توجه عارف به نژاد ایرانی، بدون در نظر گرفتن تحولات و ملزومات دنیای معاصر نبوده است. وی دستیابی به دانش را از ملزومات نژاد ایرانی در قرن بیستم می‌داند:

بروزگار نژادی که داد دانش داد چه شد که گشت ز بی‌دانشی نژد نژاد

(ص ۴۷۲)

عارف برای انگیزش مردم جهت همراهی با مشروطه‌خواهان، آنان را به ایام خوش گذشته که در آمال، افسانه‌ها و اسطوره‌های باستانی ایرانیان به یادگار مانده است می‌برد:

همیشه مالک این ملک ملت است سند به دست فریدون قباله دست قباد

(ص ۲۸۲)

شاعر، پادشاهان قاجار را جانشینان ضحاک می‌داند:

نابود باد ظلم چو ضحاک ماردوش تا بود و هست کاوه حداد زنده باد

(ص ۲۰۵)

شاعر در یکی از تصنیف‌های خود که به یاد آزادی‌خواهان آذربایجان ساخته، از نمادهای باستانی برای وحدت مردم بهره گرفته است:

ای یار اکنون زن خیمه بیرون همچون فریدون در پرچم گلبن ببین، نقش درفش کاوایی

(ص ۴۳۰)

عارف در غزلی که در آذربایجان ساخته چنین می‌سراید:

ز استخوان نیاکان پاک ما این خاک عجبین شده و مقدس‌تر از همه چیز است

(ص ۴۳۳)

عارف در یکی از تصنیف‌های خود که در سال ۱۳۴۱ ساخته، ضمن توجه به عنصر سرزمین در هم‌گرایی ملی ایرانیان در عصر مشروطه به نحوی جالب آن را با اسطوره‌های ملی پیوند داده است:

سربه‌سر ز رشت و یزد و کرمان فارس تا به صفحه صفاهان

از عراق و خطه خراسان ز اشگ رنجبر به روی آب است

رستم انتخاب کن که دشمن کینه‌جو افراسیاب است

(ص ۴۰۹)

توجه به عنصر سرزمین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در هم‌گرایی ایرانیان، در دیوان عارف به‌گونه‌ای است که ۷۳ بار واژه ایران را در اشعار خویش به کار برده است:

در جهان سر بود به دانش و فر که جهان پیکر است و ایران سر

(ص ۴۹۸)

عناصر فرهنگی هویت‌بخش ایرانی نیز تبلور ویژه‌ای در دیوان عارف دارد. او به هم‌وطنان خود توصیه می‌کند که: «زبان فراموش نکنید» (ص ۳۹۰). در تصنیفی دیگر ایرانیان را به حفظ زبان خود دعوت می‌نماید:

آرام جان باش، شیرین بیان باش، سعدی زبان باش (ص ۴۲۷)
در ابیات زیر از دیوان عارف نیز حضور عناصر فرهنگی، تاریخی و تمدنی
هویت بخش ایرانی تبلور خاصی یافته است:

چنگی به دل نمی زندم نغمه های عود ای تارونی شوید دمی هم نفس مرا
(ص ۲۰۹)

چون درآمد شور شهناز تار راکن کوک ماهور
(ص ۴۱۷)

زلف از شام یلدا گرفته کارم آشفنگی ها گرفته
(ص ۳۶۳)

به ملتی که ز تاریخ خویش بی خبر است
بجز حکایت محو وزوال نتوان گفت
(ص ۴۳۷)

چو جغد بر سر ویرانه های شاه عباس
نشست عارف و لعنت به گور خاقان کرد
(ص ۲۴۷)

کس نپرسید آن گنج جواهر کز هند نادر آورد شهشه به چه جا خواهد برد
(ص ۲۸۴)

همان طور که ملاحظه می شود، موسیقی، تاریخ، سنن و آداب اجتماعی ایران
به عنوان عناصر هویت ساز ملی، در این ابیات عارف به کار گرفته شده است.

۲. توزیع فراوانی شاخصه های دینی - مذهبی

برای سنجش و بررسی ارزش های دینی از شاخصه های، مبانی اعتقادی (توحید، نبوت، معاد)، مناسک دینی - مذهبی، اماکن دینی - مذهبی، ارزش ها، پیامبران و نموده های شیعی، بزرگان دینی - مذهبی، قرآن، آیات و روایات و سایر مفاهیم و ارزش های دینی - مذهبی استفاده شده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی شاخصه های دینی - مذهبی

ردیف	مفاهیم	فراوانی	درصد
۱	مبانی اعتقادی	۳۲	۰/۱۳۸
۲	مناسک دینی - مذهبی	۵۱	۰/۲۲۰
۳	اماکن مذهبی	۱۶	۰/۰۶۹۱

۰/۱۳۸	۳۲	ارزش‌ها و نمودهای شیعی	۴
۰/۲۳۷	۵۵	پیامبران و بزرگان دینی	۵
۰/۰۶۴۸	۱۵	قرآن، آیات و روایات	۶
۰/۳۸۴	۸۹	سایر مفاهیم و ارزش‌های دینی - مذهبی	۷
۱/۲۵۳	۲۹۰	جمع	

جدول (۲) نشان می‌دهد که در ۱/۲۵۳ درصد از کلمات دیوان عارف، شاخصه‌های دینی - مذهبی حضور دارد. نمونه‌هایی از ابیاتی که نمایانگر این شاخصه‌ها هستند را در ادامه ذکر می‌کنیم:

- گفتیم مطرب الحمد که در کشور خویش آن وظیفه که مرا هست ادا خواهم کرد
(ص ۲۲۹)
- چو گشت محرم بیگانه خانه، به در گو کفن بیار که نامحرم است پیرهنم
(ص ۲۳۶)
- دور فرعونى اشراف در ایران بگذشت خبر معجزه موسی عمران نرسید
(ص ۲۶۳)
- دل است کعبه آمال و مجلس شورا چو این خراب شد آن کعبه را خراب مکن
(ص ۲۶۸)
- عارف دخالت‌های انگلیس را در امور داخلی کشورهای اسلامی چنین مورد شماتت قرار داده است:
- بروح عالم اسلام زین جهت کاری که کرد طفل به گنجشک کنده پرنکنند
(ص ۲۶۹)
- عارف در تصنیفی زیبا، بین ارزش‌های مشروطیت و ارزش‌های دینی پیوند مناسبی برقرار کرده است:
- یوسف مشروطه ز چه برکشیدیم آه که چون گرگ خود او رادردیدیم
(ص ۲۶۹)
- نمودهای شیعی نیز در دیوان عارف با فراوانی ۳۲ ملاحظه می‌شود:
- به نام همت مولا به نقش بی‌رنگی خوشم به عشق علی در خیال ارشادم
(ص ۲۷۶)
- مراسم رای کز این بعد انتخاب کنند وکیل خولی و شمر و سنان و حرمله را
(ص ۲۲۱)

باز از افق هلال محرم شد آشکار باز ابرگریه خیمه‌فکن شد به جویبار
(ص ۷۷)

وجود نمادها و مظاهر شیعی در دیوان عارف نشان می‌دهد که این شاعر ضمن تأکید بر این عناصر، به‌عنوان بخشی از هویت ایرانی - اسلامی جامعه ایرانی، با تمسک به عناصر اصیل شیعی، آزادی‌خواهان مشروطه را به کمال جویی در سایه این عناصر فرامی‌خواند.

۳. فرهنگ غرب

در بررسی میزان توجه به فرهنگ غرب در دیوان عارف قزوینی شاخص‌هایی مانند: ناسیونالیسم، مشروطه و رهبران آن، مجلس، انتخابات و احزاب، آزادی، طبقات اجتماعی و سایر ارزش‌های فرهنگ غرب و مشروطه مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی شاخصه‌های فرهنگ غرب

ردیف	مفاهیم	فراوانی	درصد
۱	ناسیونالیسم	۱۹۰	۰/۸۲۱
۲	مشروطه و رهبران آن	۱۵	۰/۰۶۷
۳	مجلس، انتخابات و احزاب	۹۹	۰/۴۲۷
۴	آزادی، دموکراسی	۳۷	۰/۱۵۹
۵	طبقات اجتماعی	۳۸	۰/۱۶۴
۶	سایر ارزش‌های غرب و مشروطه	۳۸	۰/۱۶۴
	جمع	۴۱۷	۱/۸۰۲

به دنبال انقلاب مشروطه، مفاهیم و ارزش‌های جدیدی وارد فرهنگ ایرانی گشته، موجب دگرگونی در عرصه هویتی جامعه ایرانی شد. عارف نیز به‌مانند سایر شعرای عصر مشروطه از این مفاهیم در درون‌مایه شعر خویش استفاده کرده است. ظهور ناسیونالیسم در اروپا و به تبع آن در ایران، توجه شعرا و نویسندگان عصر مشروطه را به این مسئله جلب نمود. جدول بالا نشان می‌دهد که ناسیونالیسم (ملی‌گرایی، وطن‌خواهی) با فراوانی ۱۹۰، جایگاه ویژه‌ای در دیوان عارف یافته است. نکته قابل تأمل اینکه مفهوم وطن در معنایی جدید به‌عنوان یک واحد جغرافیایی و سیاسی که با حاکمیت سیاسی - ملت‌ها در ارتباط بود - به کار رفته است (آجودانی،

۱۳۸۲: ۲۱۰). عارف در چکامه‌ای چنین می‌سراید:

نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش بنمائید که هرکس نکند مثل من است
(ص ۲۰۲)

شاعر در جایی دیگر از دیوان خود چنین می‌گوید:

هر آن سری که ندارد سر وطن‌خواهی الهی آنکه شود سرنگون که سربار است
(ص ۲۰۲)

شاید یکی از شورانگیزترین تصنیف‌های عارف که امروزه نیز در اذهان ایرانیان وطن‌دوست باقی مانده است، تصنیفی است که این شاعر برای نخستین شهیدان ره آزادی ساخته است:

از خون جوانان وطن لاله دمیده از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
(ص ۲۵۹)

یکی دیگر از ترانه‌های ملی عارف که در سال ۱۳۳۳ سروده، با رویکردی انتقادی به مجلس شورای ملی که آمال مشروطه‌خواهان بود، چنین خطاب می‌کند:

چه شد که مجلس شورا نمی‌کند معلوم که خانه خانه غیر است یا که خانه ماست
(ص ۲۰۶)

عارف در یکی از ابیات خویش خواستار مشارکت زنان در انقلاب مشروطه می‌شود:

یک مرد انقلابی از این دور انقلاب ای زن نشد چو چشم تو شهر انقلاب کن
(ص ۲۴۵)

نمونه‌هایی دیگر از ابیات عارف که مؤلفه‌های غربی هویت در آنها حضور دارند در ذیل آمده است:

توده ملت نمیراد دامن غفلت نگیرد
(ص ۴۱۷)

چاره خرابی انقلاب است یا درستی اندر انتخاب است
(ص ۴۰۸)

هان چه شد که فریاد می‌کند پس حقوق بین‌الملل کجاست
(ص ۳۸۰)

راه هنر پوی که در قرن بیست بی‌هنران را نگذارند زیست
(ص ۴۷۰)

چنان‌که در جدول (۳) ملاحظه شد ۱/۸۰۲ درصد از کلمات دیوان عارف را مفاهیم

و ارزش‌های فرهنگ غرب تشکیل می‌دهد. شاعر با بهره‌گیری از شاخصه‌ها و عناصر هویت‌ساز ایرانی از منابع باستانی، دینی - مذهبی و ارزش‌های غربی، در ترانه‌های ملی و تصنیف‌های خویش، جامعه عصر خود را با هم‌گرایی بیشتر با ایدئولوژی جدید که در قرن بیستم هویت ایرانی را در دنیای معاصر تکامل بخشید، برانگیخته است. به‌واسطه این فعالیت‌ها بود که عارف ازسوی مردم و روزنامه‌های آن عصر لقب «شاعر ملی» (سپانلو، ۱۳۶۵: ۱۶) گرفت.

عارف آن‌طور که در شرح حال خویش ذکر می‌کند، بیشتر عمر خود را در آگاهی از آیین ملی خود - که تا قبل از آن اسمی از آن در میان نبود - صرف کرده است (حائری، ۱۳۷۲: ۹۴). آراین‌پور (۱۳۵۰: ۳۵۷) تصنیف‌های عارف را «ترجمان اراده و احساسات توده مردم» دانسته و سپانلو (۱۳۶۵: ۲۰) معتقد است عارف «رگ خواب‌های توده ایرانی» را به‌خوبی شناخته است.

بیداری مردم و برانگیختن احساسات ملی و میهنی (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۳۸) از اهداف اصلی شعر عصر مشروطه بوده که به‌منظور «ایجاد یک هویت ملی غرورآفرین» (مطهرنیا، ۱۳۸۵: ۶۶) ازسوی شاعرانی نظیر عارف به کار گرفته می‌شده است.

عارف با استفاده و به‌کارگیری هم‌زمان شعر و موسیقی و تصنیف‌هایی با «مضامین ملی» (آراین‌پور، ۱۳۵۰: ۱۶۱) سهم بسزایی در رشد احساسات ناسیونالیستی و پیشرفت کار آزادی‌خواهان داشته است (رک: همایون کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۱۴ و ۱۱۵؛ یوسفی، ۱۳۷۴: ۴۰۴؛ ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۴۸ و ۵۱).

سپانلو (۱۳۶۵: ۳۵)، به نقل از ناظران تصنیف‌های عارف، آنها را «مؤثرترین و دل‌شکاف‌ترین» ترانه‌ها می‌داند؛ به‌طوری‌که این آهنگ‌ها حتی در «حافظه بی‌سوادان» هم به یاد می‌ماند.

محمدعلی جمال‌زاده در نقل خاطره‌ای شخصی با عارف از خواننده شدن تصنیف‌های این شاعر به زبان عربی در میان ساکنان عراق سخن به میان آورده است (حائری، ۱۳۷۲: ۳۵۲). نصرالله فتحی نیز از کاظم‌زاده ایرانشهر نقل می‌کند که به هنگام وقوع مسائل آذربایجان و تحریکات ترکان عثمانی، به‌واسطه قرابت زبانی با مردم این خطه، به هنگام اجرای تصنیفی از عارف که بدین منظور ساخته شده بود، آذربایجانی‌ها چنان «فریاد زنده باد به آسمان [رسانند که گویی] هرگز ترک نبوده [اند]» (فتحی، ۱۳۵۳: ۶۱). تأثیر دیرپای این تصنیف‌ها مانند تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» (عارف قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۴۳) - که امروزه نیز در یادبود شهدای وطن به کار می‌رود - به‌خوبی مشخص می‌شود.

علاقه‌مندی عارف به هم‌گرایی و وحدت ایرانیان به‌گونه‌ای بوده است که در مواردی که پای مصالح ملی در میان بوده حاضر به تمجید مخالفان خویش می‌شود، چنان‌که مخالفت آیت‌الله مدرس را با اتمام حجّت روسیه «بیش از حد روا» (حائری، ۱۳۷۲: ۲۲۸) می‌دانست.

نتیجه‌گیری

در اوایل قرن بیستم میلادی، جنبش مشروطه‌خواهی ابعاد مختلف و از جمله عرصه هویتی جامعه ایرانی را دستخوش دگرگونی و نوسازی کرد. هویت ایرانی که در سیر تکوینی خود تا پیش از این دوران بر پایه عناصر باستانی و ملی و اسلامی بود، در این زمان با ارزش‌های فرهنگ غرب نیز ترکیب شد. نقش شعر و ادبیات عصر مشروطه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال و تعمیق بخشیدن به این هویت در تاریخ معاصر، جایگاه ویژه‌ای داشته است. عارف قزوینی، شاعر ملی عصر مشروطه، با به‌کارگیری این عناصر جدید و پیوند دادن آنها با سایر منابع هویت‌ساز ایرانیان، مردم و جامعه عصر خویش را به هم‌گرایی ملی فراخوانده است. جدول (۴) فراوانی و درصد سه منبع الهام‌بخش هویت ایرانی را در دیوان عارف قزوینی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی

ردیف	منابع هویت بخش	فراوانی	درصد
۱	فرهنگ و ارزش‌های باستانی و ملی	۵۴۵	۲/۳۵۵
۲	ارزش‌های دینی - مذهبی	۲۹۰	۱/۲۵۳
۳	ارزش‌های فرهنگ غرب و مشروطه	۴۱۷	۱/۸۰۲
	جمع	۱۲۵۲	۵/۴۱۱

چنان‌که یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، در ۵/۴۱۱ درصد از کلمات دیوان عارف قزوینی شاخصه‌ها و عناصر هویت ملی حضور دارد. در صورتی‌که فراوانی ۱۲۵۲ واژه نسبت به ۲۲۱۵ بیت دیوان عارف سنجیده شود، حضور مؤلفه‌های ملی بیشتر خودنمایی می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته که نزدیک به ۱۰۰۰ واژه از این کلمات در هزار بیت جداگانه شمارش شده، در نیمی از ابیات دیوان عارف مفاهیم و مصادیق هویت‌ساز انعکاس یافته است. مفهوم ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) با فراوانی ۱۹۰ بیشترین بازتاب را در دیوان عارف داشته که خود نمایانگر نفوذ اندیشه‌های ناسیونالیستی در آن

عصر است. فراوانی و درصدهای به‌دست‌آمده مبین این نکته است که عناصر هویت‌بخش ایرانی برخاسته از منابع باستانی و ملی، در مقایسه با عناصر جدیدی که هویت ملی ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار داده، جایگاه خویش را در هویت معاصر ایرانیان نیز حفظ کرده است. از آنجایی که عارف این شاخصه‌ها و مفاهیم هویت‌ساز را در تصنیف‌ها و ترانه‌های ملی خویش به کار گرفته است، نقش مهمی در هم‌گرایی ملی و قوام‌بخشی به هویت ملی ایرانیان در تاریخ معاصر ایفا نموده است.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲)؛ *یا مرگ یا تجدید دفتری در شعر و ادب مشروطه*، تهران: نشر اختران.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۵۰)؛ *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)؛ «ابعاد هویت ایرانی»، *از هویت ایرانی، سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی*، تهران: سوره مهر، صص ۲۹-۲۱.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷)؛ *ما و مدرنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران، هویت، ملیت، قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲)؛ «هویت ایرانی»، *فصلنامه گفتگو*، س ۱، ش ۲، صص ۲۶-۷.
- اوزکرملی، اوغوت (۱۳۸۳)؛ *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: تمدن ایرانی.
- بشیری، حسین (۱۳۸۲)؛ «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، *ایران‌نامه*، س ۲۱، ش ۳، صص ۲۸۳-۲۷۱.
- تاجیک، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹)؛ «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (گفتگو)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱، ش ۴، صص ۶۰-۱۱.
- جعفری، مسعود (۱۳۸۶)؛ *سیر رمانتیسیم در ایران، از مشروطه تا نیما*، تهران: نشر مرکز.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حائری (کوروش)، سید هادی (۱۳۷۲)؛ *آثار منتشر نشده عارف قزوینی، شاعر ملی ایران*، تهران: جاویدان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و علی‌ولی قلی‌زاده (۱۳۸۶)؛ «دولت صفوی و هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۴، صص ۲۸-۳.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷)؛ *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، ج ۱ و ۲، تهران: نشر علم.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)؛ *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رجائی، فرهنگ (۱۳۸۲)؛ *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران: نشر نی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)؛ *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶)؛ «ایران در کشاکش ایام حکایت همچنان باقی است»، *سخن*، ش ۱، صص ۳۹۹-۳۸۶.
- زمانی، علی‌اصغر (تلاشگر) (۱۳۸۴)؛ شاعر مردم، یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی نسیم شمال، تهران: سخن.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۶۵)؛ *چهار شاعر راه آزادی عارف قزوینی شاعر ترانه ملی*، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- ستاری، جلال (۱۳۸۰)؛ *هویت ملی و هویت فرهنگی*، تهران: نشر مرکز.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶)؛ «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۳، صص ۵۳-۳۱.

- شعبانی، رضا (۱۳۸۶): *ایرانیان و هویت ایرانی*، تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹): *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۱، تهران: فردوس.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۰): *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۵۸): *کلیات دیوان عارف قزوینی*، به اهتمام عبدالرحمن سیف‌آزاد، تهران: امیرکبیر.
- فتحی، نصرالله (۱۳۵۳): *عارف و ایرج*، تهران: چاپخش.
- فوران، جان (۱۳۷۷): *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱): *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین با مقدمه حاتم قادری، تهران: کویر.
- کجویان، حسین (۱۳۸۶): *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران: نشر نی.
- کجویان، حسین و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۴): «تطور نظریه‌های هویت در غرب به از تجدد تا مابعد تجدد»، *علوم سیاسی*، ش ۹، صص ۵۱-۸۴.
- گل محمدی، احمد (۱۳۷۷): *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳): *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
- مارزولف، اولریش (۱۳۸۰): *شاهنامه و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳): *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: باغ آینه.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۵): «اصالت و معاصرت در هویت»، *زمانه*، س ۵، ش ۴۳، صص ۶۶-۶۴.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۷۰): *نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳): *هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ----- [گردآورنده] (۱۳۸۳): *گفتارهایی درباره هویت ملی ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۸): *پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- همایون‌کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹): *دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۸۰): *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۴): *چشمه روشن*، تهران: انتشارات علمی.
- Bausani, Alessandro (1975); *The Persian from The earliest days To The Twentieth century*, Translated from Italian by J.B Donne; London: Elek book Limited.
- Smith, A.D. (1995); *Nations and Nationalism in Global Era*, London: polity press.